



# تفسیر آیات مشکل

درس ۲۳

مسأله رجعت

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد

## مقدمه

از مباحث اختلاف‌انگیز در بین مفسران مسأله رجعت است، که به معنی بازگشت مردگان به دنیا است. از آیات مربوط به رجعت به گفته مفسرین در قرآن یاد شده، که دلیلی بر صحت وقوع آن است. در این درس به چگونگی وقوع این حادثه، معنا، زمان وقوع آن می‌پردازیم و به دلایل آمده در آیات و روایات اشاره می‌کنیم.

## محتوای آموزشی

«وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذَانًا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ. وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ».

(نمل، ۸۳-۸۵)

و (یاد آر) روزی را که از هر امتی گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب می‌کردند، گرد می‌آوریم. پس آنان (در کنار هم) بازداشته می‌شوند تا چون آمدند، (خداوند به آنها) گوید: آیا شما آیات مرا تکذیب کردید، درحالی- که از نظر آگاهی، به آن احاطه نداشتید؟ آیا شما چه می‌کردید؟ و به سبب ستمی که کردند، فرمان (عذاب) بر آنان واقع شود، پس آنان سخن نگویند.

## محشور شدن گروهی ویژه از هر امت

در این آیه از آمدن روزی خبر می‌دهد که در آن روز از هر امتی گروهی از تکذیب‌کنندگان آیات الهی محشور خواهند شد و در ردیف هم و کنار یک‌دیگر بازداشته خواهند شد و مجازات الهی را خواهند دید.

در آن هنگام خداوند آنها را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد و می‌پرسد: آیا شما آیات مرا تکذیب کردید، درحالی‌که از نظر علم و آگاهی بر آن احاطه نداشتید، آیا شما چه می‌کردید؟ منظور از این‌که از نظر آگاهی بر آن احاطه نداشتید، این است که شما بدون این‌که به دلالت آن آیات توجه کنید و آگاهی به دست آورید، بی هیچ دلیلی آنها را تکذیب کردید و این‌که می‌فرماید: آیا چه می‌کردید؟ منظور این است که اگر تکذیب نمی‌کردید، پس چه می‌کردید؟ این سخن برای رد بهانه‌های کافران هنگام نزول عذاب است، که شاید به نحوی کار خودشان را توجیه کنند؛ لذا از آنها پرسیده می‌شود: اگر این کار تکذیب نبود، پس چه بود؟

پس از این پرسش، حکم الهی درباره آنها صادر می‌شود (وقع القول) و آن، حکم به مجازات آنها به خاطر ستمگری‌هایشان است و آنها توانایی سخن گفتن نخواهند داشت.

اکنون باید دید آن روز که از هر امتی گروهی از کافران محشور می‌شوند، کدام روز است؟

مفسران اهل سنت گفته‌اند: آن روز همان روز قیامت است که خداوند در آن روز کافران را مجازات خواهد کرد.

به نظر آنان منظور از این که از هر امتی گروهی برانگیخته می‌شوند این است که، از هر امتی آن گروه که تکذیب کنندگان آیات الهی بودند، محشور و مجازات می‌شوند. از نظر ادبی «من» در «ممن یکذب» بیانیه است و برای تبعیض نیست؛ بنابراین شامل همه تکذیب کنندگان می‌شود و یا اگر برای تبعیض باشد، منظور از «فوج» بزرگان و رهبران مکذبین هستند. این آیه درباره مؤمنان امت‌ها سخن نمی‌گوید و از آن ساکت است.<sup>۱</sup>

در مقابل این گروه، بسیاری از مفسران شیعه می‌گویند: این آیه مربوط به قیامت نیست، بلکه از روز رجعت خبر می‌دهد<sup>۲</sup> و آن روزی است که برخی از کافران به دنیا برگردانیده می‌شوند و به گونه‌ای خاصی کیفر اعمال خود را می‌بینند. همان گونه که برخی از مؤمنان و صالحان نیز در آن روز به دنیا برگردانیده می‌شوند و پاداش نیکویی خواهند داشت و آن روز روز قیام مهدی آل محمد (صلی الله علیه وآله) است. برپایه این روایات در روز رجعت همه مردم به دنیا بازگردانیده نمی‌شوند، بلکه مؤمنان خالص و کافران خالص رجعت خواهند کرد.

ظاهر آیه شریفه هم همین مطلب را تأیید می‌کند، چون می‌فرماید: در آن روز از هر امتی گروهی محشور می‌شوند و این درحالی است که در روز قیامت همه مردم و نه برخی از آنها، محشور خواهند شد، چنان که می‌فرماید:

«وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (کهف، ۴۷)

و آنها را محشور می‌کنیم و هیچ‌یک از آنها را وانمی‌گذاریم.

علی بن ابراهیم از حماد نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردم درباره این آیه چه می‌گویند؟ «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا». گفتم: می‌گویند: آن در قیامت خواهد بود. فرمود: چنین نیست که آنها می‌گویند، این در روز رجعت خواهد بود. آیا خداوند در قیامت از هر گروهی فوجی را زنده می‌کند و بقیه را باقی می‌گذارد؟ آیه مربوط به قیامت این آیه است: «وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (کهف، ۴۷)<sup>۳</sup>

چیزی که دلالت این آیه بر رجعت را روشن می‌کند این است که، پس از این آیه در آیات بعدی محشور شدن در قیامت را به طور جداگانه ذکر می‌کند و می‌فرماید:

«وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنُزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ...» و این نشان می‌دهد که روز قیامت غیر از روزی است که از هر امتی گروهی محشور می‌شوند، چون این آیه شریفه با «ویوم» شروع شده و آمدن واو در اول

۱. رجوع شود به: قرطبی، ج ۱۴، ص ۲۳۸؛ زمخشری، *الکشاف*، ج ۳، ص ۳۸۵؛ ابن عاشور، *التحریر والتنویر*، ج ۱۹، ص ۳۱۱؛ *التفسیر المنیر*، ج ۲۰، ص ۳۶ و تفاسیر دیگر.

۲. در میان مفسران شیعه هم به ندرت کسانی هستند که آیه را مربوط به روز قیامت می‌دانند. مانند: مغنیه، *الکشاف*، ج ۶، ص ۴۰؛ شیرازی، *تقریب القرآن الی الانهان*، ج ۴، ص ۱۲۷. ولی این بدان معنا نیست که آنها رجعت را قبول ندارند، بلکه آنها دلالت این آیه را به رجعت نمی‌پذیرند.

۳. *تفسیر قمی*، ج ۱، ص ۲۴.

آن دلیل است که این «یوم» غیر از آن «یوم» است و اگر هر دو یکی بود نباید «یوم» دوم با او شروع می‌شد. دیگر این که قرار گرفتن این آیه بعد از آیات مربوط به خروج «دابة الارض» و پیش از آیات مربوط به نفخ صور، ظاهر در ترتیب وقوعی این سه حادثه است: نخست خروج دابة الارض که از اشراط الساعة است، سپس زنده شدن گروهی از تکذیب کنندگان و پس از آن وقوع نفخ صور و آغاز رستاخیز. اگر آیه مورد بحث مربوط به قیامت باشد باید این حادثه پس از نفخ صور اتفاق بیفتد، در صورتی که در آیات شریفه جلوتر از آن ذکر شده است آن هم به این صورت که «و یوم ینفخ فی الصور» که عطف بر «یوم نحشر» می‌باشد. (دقت شود)

علامه طباطبائی می‌گوید: اگر مراد از حشر در این آیه، حشر به سوی عذاب بود، باید آن را ذکر می‌کرد تا ابهام برطرف شود، همان‌گونه در آیه: «وَ یَوْمَ یُحْشَرُ اَعْدَاءُ اللّٰهِ اِلٰی النَّارِ فَهُمْ یُوزَعُونَ» (فصلت، ۱۹) گفته شده. درحالی - که پس از آیه مورد بحث، فقط از عتاب و داوری سخن به میان آمده است.<sup>۱</sup> مهم‌تر این که در روایات اهل بیت با تأکید فراوان، این آیه مربوط به رجعت دانسته شده است، که برخی از آن روایات را خواهیم آورد.

برخی از مفسران اهل سنت که دیده‌اند این آیه را به راحتی نمی‌توان به حشر روز قیامت که یک حشر عمومی است حمل کرد، آن را چنین توجیه کرده‌اند که این یک حشر خاص است، که پس از حشر جمیع خلایق که در آیه بعدی (و یوم ینفخ فی الصور) آمده، اتفاق می‌افتد.<sup>۲</sup>

باید گفت: این یک توجیه بی‌دلیل است و حشر بعد الحشر چه معنا دارد؟ اساساً چنین احتمالی مغایر با ترتیب آیات است، چون در این گروه از آیات اول حشر خاص که شامل همه خلایق نمی‌شود، ذکر شده و بعد از آن از حشر عام خبر داده شده است.

تعبیر «وقع القول» در این آیه هم که مربوط به نزول عذاب بر کافران در این حشر خاص است، قابل دقت است. چون همین تعبیر در آیه قبلی هم که مربوط به خروج «دابة الارض» است، آمده و قطعاً منظور از آن جاری شدن سنت الهی در این دنیا است. اساساً در قرآن تعبیرهایی مانند: «وقع القول»، «حق القول» و «سبق القول» معمولاً درباره اجرای سنت‌های الهی در همین دنیا، به کار برده می‌شود.

### رجعت چیست؟

رجعت از ریشه «رجع» به معنای بازگشتن است و صیغه آن دلالت بر «مره» می‌کند، یعنی یک بار بازگشتن. و در فرهنگ دینی، رجعت به معنای بازگشتن مرده‌ها به زندگی است و در اصطلاح اهل بیت (علیهم‌السلام) زنده شدن

۱. المیزان، ج ۱۵، ص ۳۹۷.

۲. ابن عاشور، التحریر والتنویر، ج ۱۹، ص ۳۱۰.

برخی از مرده‌ها در یک روز معین، هم‌زمان با ظهور مهدی (عج الله تعالی) و یا اندکی پس از آن است. طبق این باور گروهی از بدان و گروهی از نیکان در آن عصر باشکوه دوباره زنده می‌شوند. نیکان در حکومت شریک می‌شوند و بدان کیفر می‌بینند. گاهی از رجعت به‌عنوان «کرت» هم یاد می‌شود، این عنوان بیش‌تر درباره بازگشت نیکان به‌کار می‌رود.

عالمان شیعی به پیروی از ائمه معصومین در این موضوع اتفاق نظر دارند<sup>۱</sup> و علاوه بر بحث در کتاب‌های کلامی و تفسیری، کتاب‌های مستقلی هم در اثبات رجعت نوشته‌اند، که شاید قدیم‌ترین آن‌ها «اثبات الرجعه» از فضل‌بن شاذان و مفصل‌ترین آن‌ها کتاب «الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه» نوشته شیخ حر عاملی صاحب وسائل الشیعه باشد که بارها چاپ شده است.

در این‌که اعتقاد به رجعت محل اتفاق نظر علمای شیعه است، تردیدی نیست، ولی آیا این عقیده از ضروریات شیعه هم هست، به‌طوری‌که اگر کسی به آن معتقد نباشد شیعه نیست، جای تأمل است.

### رجعت در آیات و روایات

برای اثبات رجعت به آیات و روایاتی استناد شده است که برخی از آن‌ها را مورد بحث قرار می‌دهیم:

۱- آیات: این آیات دو گونه است:

نخست، آیاتی که دلالت بر رجعت برخی از افراد و یا گروه‌ها به زندگی در زمان گذشته دارد.

دوم، آیاتی که ظاهر آن‌ها دلالت بر رجعت برخی از افراد در آینده دارد. آیات نوع اول امکان زنده شدن مردگان در این دنیا را ثابت می‌کند و آیات نوع دوم بر وقوع آن در زمان خاص دلالت می‌کند.

نمونه‌هایی از آیات نوع اول:

۱. زنده شدن هفتاد نفر از بنی‌اسرائیل: «وَ إِذِ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره، ۷۳)

۲. زنده شدن مقتول بنی‌اسرائیل: «وَ إِذِ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذْرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره/۷۳)

۳. زنده شدن هزاران نفر به امر خدا در یک جریان تاریخی: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»

۱. رجوع شود به: شیخ مفید، اوائل المقالات، ج ۴، ص ۷۷؛ شیخ صدوق الاعتقادات، ص ۶۰؛ سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۱۳۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵۲. شیخ حر عاملی، الايقاظ من الهجعه، ص ۳۳، که همگی به اتفاق نظر علمای شیعه در اثبات رجعت تصریح کرده‌اند.

(بقره، ۲۴۳)

۴. زنده شدن عزیر پس از صد سال: «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ» (بقره، ۲۵۹)

۵. زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی: «وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي» (مائده، ۱۱۰)<sup>۱</sup>

از این آیات به روشنی معلوم می‌شود که زنده شدن مردگان در این دنیا و بازگشت آنان به زندگی، از نظر قرآن، نه تنها امکان دارد، بلکه واقع هم شده است و به همین جهت دانشمندان اهل سنت هم، وقوع رجعت در امت‌های پیشین را قبول دارند.

### نمونه‌هایی از آیات نوع دوم:

روشن‌ترین آیه‌ای که دلالت واضحی بر مسأله رجعت دارد، همان آیه مورد بحث ما است: «وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا».

همان‌گونه که در آغاز بحث توضیح دادیم، ظاهر این آیه و جایگاه آن در مجموع آیات قبل و بعد آن دلالت دارد که منظور از این روز که از هر امتی گروهی حشر می‌شوند، غیر از روز قیامت است و آن روز جز روز رجعت نمی‌تواند باشد و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به این معنا تصریح کرده‌اند. غیر از این آیه، آیات دیگری هم وجود دارد که هر چند خود آن آیات دلالت روشنی بر مسأله رجعت ندارند، ولی در روایات معصومین به روز رجعت تفسیر شده‌اند، مانند:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور، ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین قرار دهد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند.

در روایات بسیاری از ائمه معصومین تأکید شده که وعده‌ای که در این آیه داده شده، در رجعت تحقق پیدا خواهد کرد.<sup>۲</sup> البته تدبیر در این آیه و عنایت به مفهوم الفاظی مانند: استخلاف، تمکین، خوف، امن، عبادت و مانند آن‌ها ما را به سوی این حقیقت سوق می‌دهد، که این وعده هنوز محقق نشده و در آینده محقق می‌شود. و چون رجعت هم مربوط به همان روز است، می‌توان آیه را حمل بر آن روز کرد.

۱. تفسیر این آیات را در کتاب‌های تفسیری ملاحظه فرمایید.

۲. رجوع شود به: کنزالدقائق، ج ۹، ص ۳۳۵.

«قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا اِنتَیْنِ وَ اَحْبَبْنَا اِنتَیْنِ» (غافر، ۱۱)

گویند: پروردگارا، ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی.

درباره این آیه هم احادیثی نقل شده که منظور از دو بار زنده شدن و دو بار مردن، زندگی متعارف و مرگ پس از آن، و زندگی در رجعت و مردن پس از آن است.<sup>۱</sup>

اهل سنت می‌گویند: منظور از دو بار مردن، یکی مرگ پیش از ولادت و دومی مرگ در پایان عمر است و استدلال می‌کنند به آیه «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ اُمَمًا فَاَحْيَاكُمْ» (بقره، ۲۸). باید گفت: این سخن ناشی از بی‌توجهی آنان به مفهوم واژه «امتنا» است، که به صورت متعدی است. اماته که به معنای میراندن است، باید مسبوق به حیات باشد. انسان پیش از انعقاد نطفه و ولادت، زنده نبود که میرانده شود. فقط می‌توان گفت که مرده بود و این غیر از اماته است.

«وَ حَرَامٌ عَلٰی قَرْیَةٍ اَهْلَكْنَاهَا اَنْهُمْ لَا یَرْجِعُوْنَ» (انعام، ۲۷)

و (باز گشتن به دنیا) بر مردم آبادی‌ای که آن‌ها را هلاک کرده‌ایم، حرام و ناشدنی است. آن‌ها بازگشت نخواهند داشت.

در روایات معصومین آمده که این آیه مربوط به رجعت است و هر قومی که با عذاب الهی هلاک شده‌اند، در رجعت زنده نخواهند شد.<sup>۲</sup>

این آیه نمی‌تواند مربوط به قیامت باشد، چون همه مردم در قیامت رجوع خواهند کرد و این که می‌فرماید: چنین اقوامی رجوع نخواهند کرد، معلوم است که آیه مربوط به روزی است که فقط گروهی در آن روز رجعت خواهند داشت.

برخی از مفسران اهل سنت برای توجیه آیه گفته‌اند که «لا» در «لا یرجعون» زایده است و «لا یرجعون» به معنای «یرجعون» است و آن در قیامت خواهد بود.<sup>۳</sup>

این توجیه، توجیه ناصوابی است. زایده بودن حرف نفی در یک جمله منفی معنا ندارد و هیچ‌گونه گوینده‌ای چنین سخن نمی‌گوید.

آیاتی که آوردیم از باب نمونه بود. شیخ حر عاملی، از ۶۴ آیه قرآن یاد می‌کند که در روایات معصومین تأویل به

۱. همان، ج ۱۱، ص ۳۶۵.

۲. همان، ج ۸، ص ۴۷۱.

۳. تفسیر فخر رازی، ج ۲۲، ص ۱۸۵.

رجعت شده است.<sup>۱</sup>

۲- روایات: روایاتی که از ائمه معصومین (علیهم السلام) درباره رجعت وارد شده بسیار است. شیخ حر عاملی صدها حدیث از کتاب‌هایی که به عقیده او معتبر بوده، نقل کرده و مجلسی حدود ۲۰۰ حدیث در این باره نقل کرده و گفته است: احادیث در حد تواتر است. او اضافه می‌کند که اگر این احادیث متواتر نباشد، پس در چه چیزی می‌توان ادعای تواتر کرد.<sup>۲</sup>

البته بیش‌تر این احادیث در تأویل برخی از آیات به رجعت است و برخی از آن‌ها هم به‌طور مستقل از رجعت خبر می‌دهند. از جمله:

عن أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمَ الْكُرَّةِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۳</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمود: روزهای خدا سه روز است: روزی که قائم قیام کند، روز رجعت و روز قیامت.

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا.<sup>۴</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمود: از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نیاورد.

### چکیده

رجعت به معنای بازگشتن است و در اصطلاح اهل بیت (علیهم السلام) زنده شدن برخی از مرده‌ها در یک روز معین، هم‌زمان با ظهور مهدی (عج الله تعالی) و یا اندکی پس از آن است.

در آیات و روایات به مساله رجعت اشاره شده است.

در قرآن به دو گونه رجعت اشاره شده است: ۱- رجعت برخی از افراد به زندگی در زمان گذشته؛ ۲- رجعت برخی از افراد در آینده.

آیات نوع اول امکان زنده شدن مردگان در این دنیا را ثابت می‌کند و آیات نوع دوم بر وقوع آن در زمان خاص دلالت می‌کند.

از روایات فقط رجعت مؤمنان خالص و کافران خالص در دنیا استفاده می‌شود، نه بازگشت همه مردم.

۱. الايقاظ من الهجعه، ص ۹۲-۱۱۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳.

۳. خصال صدوق، ص ۱۰۸. طبق این روایت روز رجعت، بعد از روز ظهور است. باید گفت: اگر هم، چنین باشد فاصله چندانی میان آن‌ها نخواهد بود، چون در روایت‌های متعددی به هم‌زمانی آن‌ها اشاره شده است.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۸.